

مدرسه، نظرگاه حیات علمی شهرهای اسلامی

سجاد مؤذن^{۱*}

استادیار گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

چکیده | شهر اسلامی موجودی زنده است و هر عضوش دارای وظایفی که سلامت و تعامل آن عضو با دیگر اعضا، متضمن انجام آن وظایف است. بناهای شهر اسلامی علاوه بر عملکرد اصلی خود دارای کاربری‌های فرعی، نامحسوس و مؤید حیات مادی و معنوی شهر هستند. بازمانده این بناها، امروز علاوه بر ارزش‌های فرهنگی و تاریخی خود، راوی چگونگی زیست دوره تسلط سنت‌های اصیل بر حیات انسان‌اند. بر همین اساس مطالعه هرگونه خاص معماری، شناخت تأثیر عملکرد جاری در آن بنا، بر حیات شهر را در پی دارد. از طرفی روند شتاب‌زدگی در گذر زمان، طمانینه را از انسان امروز سلب و نیاز او به پناه بردن به آثار روزگاری که انسان آرام‌تر زندگی می‌کرده است را بیشتر کرده است. از آنجا که سؤال اصلی این پژوهش شناخت نقش روایتگری مدارس از حیات علمی شهر اسلامی و همچنین چگونگی بازترسیم آن برای گردشگر امروز است؛ روش انجام تحقیق، روشی تاریخی است که با تفسیر وقایع مربوط به گذشته، نحوه زیست آن زمان را تجزیه و تحلیل می‌کند. همچنین روش توصیفی در تحلیل و نتیجه‌گیری از داده‌ها و مدارک فنی در راستای تبیین روش مواجهه صحیح با مدارس مورد استفاده قرار گرفت. هدف این مقاله فراتر رفتن از پر کردن اوقات فراغت، تفریح و بازدید گذرا در مواجهه با بناها و شهرهای تاریخی است. وقتی بپذیریم که بنا دارای وجوه غیرمادی است که با استمرار زندگی انسان‌ها در طول زمان در بنا شکل گرفته‌اند، می‌توانیم کالبد موجود را راوی آن وجوه بدانیم. به همین دلیل نیز حضور در مدرسه و تعامل با آن، انسان حاضر را به سفری در عمق زمان می‌برد. بنابراین حضور گردشگر در بنای مدرسه را باید به‌مثابه نشستن انسان در محضر راوی دانست. روایتی که در آن، مدرسه نظرگاهی است که چشم گردشگر را به حیات سنتی باز می‌کند.

واژگان کلیدی | نقش روایی بناهای تاریخی، مدارس اسلامی، روش تفسیری-تاریخی، معماری اسلامی.

خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نماید (گودرزی سروش، امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳). بر این اساس می‌توان گفت بناهای تاریخی-اسلامی علاوه بر ارزش‌های فرهنگی و تاریخی خود، راوی چگونگی زیست دوره تسلط سنت‌های اصیل بر حیات انسان هستند. از این رو مطالعه هر گونه خاص معماری، شناخت تأثیر عملکرد جاری در آن بنا، بر حیات شهر را در پی دارد. اهمیت پرداختن به آثار تاریخی تا بدان جاست که لبوس

مقدمه | معماری اسلامی یکی از بزرگترین جلوه‌های ظهور حقیقت هنری در کالبد مادی است. معماری اسلامی به‌مثابه یکی از بزرگترین شاخه‌های هنر اسلامی توانسته است، بخش عظیمی از ویژگی‌های این هنر را در بستر زمان و در طول دوره‌های گوناگون نهادینه سازد. معماری نیز که در هنر اسلامی شریف‌ترین مقام را دارد، همین روح اسرارآمیز را نمایش می‌دهد. معماری، اولین هنری است که توانست

* ۰۹۱۶۶۹۱۱۴۰۴@iust.ac.ir Sajadmoazen

در این پژوهش، از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی استفاده شده است. در این راستا با توجه به ادبیات پژوهش ابتدا شاخص‌های مورد تحلیل، شناسایی شده و سپس مصادیق آنها با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به عنوان نمونه بررسی و تجزیه و تحلیل شد. به این منظور این پژوهش با بررسی الگوی طراحی کالبدی و فراکالبدی مدارس دوره شهرسازی اسلامی، به تبیین نقش مدرسه در نظرگاه حیات علمی شهرهای اسلامی می‌پردازد تا هدف تحقیق، که احیای مدارس تاریخی و بازگرداندن آنها به چرخه حیات شهر است، محقق گردد.

مبانی نظری

مهم‌ترین مبانی نظری این مقاله توجه به اهمیت نقش مدارس در بازخوانی حیات شهرهای اصیل است، لذا در ابتدای پژوهش به تشریح روح مکان بناهای تاریخی و نقش آنها در زندگی شهر به عنوان روایتگر و پس از آن به جایگاه مدرسه در شهرهای اسلامی پرداخته می‌شود. در گام بعدی مدرسه به عنوان معرف حیات جاری علمی جامعه سنتی معرفی می‌شود تا با آشنایی با چگونگی حیات جاری در مدرسه و بازشناسی زندگی انسان‌ها در بنای مدرسه بتوان مدرسه‌های دوران اسلامی را تحلیل و بررسی کرد. مرحله بعدی به شناخت اجزای ساختاری مدرسه بر اساس تفکیک عملکرد می‌پردازد. نهایتاً با توجه به توضیحات ارائه شده در این حوزه شاخص‌های پژوهش شناسایی می‌گردد. پس از شناسایی شاخص‌های تحقیق، به مصادیق این شاخص‌ها در نمونه‌های موردی پرداخته می‌شود.

• نقش روایتگری بنای تاریخی

بناهای تاریخی معماری دارای روح مکانی غنی حاصل هندسه پیچیده زمان ساخت، هم‌زیستی مصالح با بوم پیرامون خود، و مهم‌تر از این دو کیفیت حیات بنا - حاصل حضور انسان برای قرن‌ها در بنا - و نقش روایتگری بناست. نقش روایتگری به این معناست که بنای معماری سند کالبدی چگونگی حیات انسان سنتی و راوی اخلاق و منش زندگی اوست و چنانچه انسان حاضر در بنا لحظه‌ای سکوت کند و به او اجازه نقل دهد، نواهای خاموش موجود در کالبد بنا را خواهد شنید. بناهای تاریخی معماری که راوی حیات اصیل جاری در خود برای قرون متمادی و شواهد کالبدی زندگی هماهنگ با طبیعت انسان سنتی هستند، در صورتی می‌توانند نقش روایتگری خود را به خوبی ایفا کنند و انسان امروز را با چگونگی نوع زندگی اصیلی که این بناها قالبی برای آن بودند آشنا کنند، که انسان بنا را به عنوان موزه بازدید نکند. انسانی که به بازدید از بنا بپردازد، چند عکس یادگاری از بنا بگیرد (که در عمده آنها خود او محور عکس و بنا در پس‌زمینه محو شده است) و لحظه‌ای در بنا ننشیند و لحظه‌ای سکوت نکند، مجال روایتگری را از بنا گرفته است! در چنین حالتی بنا فرصت نقل نمی‌یابد.

وودز در مورد اهمیت نقش فرم و کالبد آثار تاریخی و اثر آنها بر روحیه مردم می‌گوید: «آنها در وضعیت آسیب‌دیده و ویران خود، فرم جدیدی از تفکر و ادراک را پیشنهاد می‌دهند و همچنین فهم جدیدی از فضایی را عرضه می‌کنند که توانایی بالقوه انسان در بازساخت خود به عنوان یک کل واحد و آزاد از هرگونه محدودیت‌های از پیش تعریف‌شده و سیستمی کامل و همه‌جانبه‌نگر را احیا می‌کند. در وجود این آثار تعهدی اخلاقی و معنوی وجود دارد که بر اساس آن می‌توان آنها را اساس اجتماع نامید» (woods, 1996, 56). در این زمینه مدرسه به عنوان قلب علمی شهر اسلامی، بازشناساننده پویایی علمی شهر است و به زبان ساده می‌توان گفت در بازشناسی مدارس شهرهای اسلامی، هرچه این مدارس از کمیت و کیفیت بالاتری برخوردار باشند، نشان‌دهنده جاری بودن علوم در زندگی روزمره شهر و غنای علمی آن است. اهمیت مدرسه تا به آنجاست که پیرنیا مدرسه را بعد از مسجد مهم‌ترین بنای همگانی درون شهری می‌داند (هوشیاری، پورنادری و فرشته‌نژاد، ۱۳۹۲).

در شهرسازی و معماری اسلامی، مطالعات گوناگونی درباره عناصر شکل‌دهنده شهرهای اسلامی شده است (زیاری، ۱۳۸۲؛ هوشمند و حبیبی، ۱۳۹۰؛ دانشپور و شیرینی، ۱۳۹۴). اما تاکنون درباره نقش روایی مدرسه در حیات شهر اسلامی به عنوان فضایی آموزشی و نیایشی، سخنی به میان نیامده است و تنها مطالعات محدودی در خصوص گونه‌بندی مدارس و معماری و کالبد مدرسه صورت گرفته است (غروی خوانساری، ۱۳۸۴؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۴). از سوی دیگر با توجه به نقش و اهمیت بناهای تاریخی و اهمیت نگاه غیرموزه‌ای به آنها این پژوهش بر آن است تا با هدف بازخوانی نقش مدارس تاریخی در شهرهای اسلامی به تعریف نقش و جایگاهی متفاوت و تأثیرگذار برای مدارس در حیات امروز شهر دست یابد. از این رو سؤالات پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تعریف‌کننده جایگاه مدرسه در نظام معماری و شهرسازی اسلامی چه هستند؟
- نقش روایتگری مدارس از حیات علمی شهر اسلامی چه تأثیری در احیای آنها دارد؟

روش تحقیق

پژوهش‌هایی که به بررسی مفاهیم در گذشته می‌پردازند، وابسته به روشی تاریخی هستند و با تفسیر وقایع مربوط به گذشته، نحوه زیست آن زمان را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. روش تحقیق در این مقاله با توجه به نوع پژوهش، تفسیری-تاریخی است؛ و تحلیل‌های مربوط به مدارس با روش استدلال منطقی صورت گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات

العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵، ق، ۳۴۵).

بر همین اساس نیز طلبه در مسیر کسب علم به خودسازی مشغول است و به دنیای درون بیشتر از دنیای بیرون توجه دارد. مدرسه جهانی کوچک است که شخص حاضر در مدرسه را از ارتباط با خارج بی‌نیاز می‌کند.

گردشگر امروز در مواجهه با مدارس تاریخی فقط با بنایی دارای ساختار هندسی عالی و نقوش تزئینی پر رنگ و لعاب و زیبا مواجه نیست، بلکه در محضر کالبدی قرار گرفته است که قالب خودسازی انسان‌های بسیاری در طول زمان است. بنابراین برای نیل به درک کیفیت فضا و بهره بردن از روح مکان غنی آن دو نکته لازم است:

آشنایی با چگونگی حیات جاری در زمان فعال بودن مدرسه و بازشناسی زندگی انسان‌ها در بنای مدرسه؛
درنگ در بنا، تأمل در اثر و تعامل با مدرسه به عنوان موجودی زنده.

• مؤلفه‌های کالبدی و فراکالبدی مدارس اسلامی

شناخت اجزای ساختاری مدرسه بر اساس تفکیک عملکرد: هرچند نمی‌توان برای همه مدارس حکمی کلی صادر کرد، اما با اغماض از موارد استثنا، می‌توان اجزای ساختاری مدرسه را بازشناسی کرد. چهار عملکرد کلی عبادت، آموزش، اقامت و خدمات در اجزای ساختاری متنوعی نمود پیدا می‌کنند. سیر از عملکرد تا مصادیق کالبدی آن در **جدول ۱** ارائه شده است.

با توجه به اهمیت جایگاه مدرسه در نظام معماری و شهرسازی اسلامی در **جدول ۲** بر اساس دو بعد کالبدی و فراکالبدی به تحلیل مدرسه ایرانی-اسلامی پرداخته می‌شود.

- درهم‌تنیدگی مدرسه و شهر

مدارس به دلیل طرح‌مایه کلی حاکم بر معماری ایرانی، دارای سلسله مراتبی چندلایه و پیچیده بودند و با توجه به قرارگیری در مراکز شهرها طیف وسیعی از مراتب فضاهای عمومی تا خصوصی را در بر می‌گرفتند. همین سلسله‌مراتب باعث شده که امکان دسترسی از شلوغ‌ترین بخش‌های شهر (بازار) با گذر از چند فضای مربوط به بازار و واسط بین بازار و مدرسه، به آرام‌ترین و خلوت‌ترین بخش‌های شهر که محل شکل‌گیری افکار عمیق و آرای بنیادی تفکر اسلامی است، فراهم گردد. ارتباط مدرسه و شهر از ترکیب دو عامل مهم شکل می‌گیرد: لزوم سکوت و خلوت فضای داخلی مدرسه برای ایجاد تمرکز و توجه طلاب.

لزوم ارتباط با شهر و مردم برای بهره‌برداری مردم از حاصل علمی مدرسه و آگاهی طلاب از جریان زندگی شهر.

نیاز اول با تمهیدات معماری و ایجاد مراتب دسترسی در طرح‌مایه مدرسه فراهم می‌شود و نیاز دوم با قرارگیری مدرسه

• جایگاه مدرسه در شهر اسلامی

شهر اسلامی موجودی زنده است، متشکل از مجموعه اجزائی که هیئت کلی شهر را برپا می‌کنند. در این سیستم زنده، هر عضو دارای وظایفی است که سلامت و صحت آن عضو و همچنین ارتباط و تعامل آن عضو با دیگر اعضا متضمن انجام آن وظایف است. همان‌گونه که بسیاری از اعضای بدن انسان علاوه بر کاربری اصلی و عام خود، دارای وظایف فرعی -و گاهی حتی ناشناخته- دیگر هم هستند، بناهای شهر اسلامی نیز منحصر به یک عملکرد نبوده و دارای کاربری‌های فرعی و نامحسوس و تضمین‌کننده حیات مادی و معنوی شهر هستند.^۱

مدرسه را از منظر اسلامی به طور خلاصه می‌توان موسسه‌ای برای آموزش عالی تعریف کرد که در آن علوم سنتی اسلامی مانند حدیث، تفسیر و فقه آموزش داده می‌شود (حیاتی، رحمت‌نیا و کوری‌زاده، ۱۳۹۸). بر همین اساس اولین مدارسی که تأسیس شدند مربوط به قرن دوم و سوم هجری بوده است (مهدوی‌نژاد، قاسم‌پورآبادی، و محمدلوی شیبستری، ۱۳۹۲). مدرسه‌ها عموماً در قالب ارسن‌هایی تعریف می‌شوند که مجموعه‌ای جامع از کاربری‌های عمومی و خدمات شهر (از جمله مسجد، مدرسه، آبانبار، مقبره، کاروانسرا، تکیه) را برعهده دارند. بر اساس استعارة شهر-انسان، اگر قلب شهر را فضای عبادی بدانیم، جایگاه تعقل شهر، مدرسه است. مدرسه در نظام سنتی شهر اسلامی، مهم‌ترین فضای آموزشی شهر و محل شکل‌گیری عالی‌ترین علوم زمانه خود است. آموزش در مدرسه عموماً مبتنی بر علوم دینی است و متناسب با آرای علمای شهر در ارتباط با علوم دنیوی، بعضاً این علوم نیز در کنار علوم دینی در مدرسه تدریس می‌شود.

• مدرسه، محل شکل‌گیری اخلاق اسلامی

برخلاف مدارس امروزی که خانه دوم شخص محسوب می‌شود، زندگی طلاب در مدرسه به صورت شبانه‌روزی جاری بود. وظایف مدارس محدود به آموزش نبود، بلکه تربیت و شکل‌گیری شخصیت طلبه در فضای مدرسه انجام می‌شد. بر همین اساس معماری مدرسه دارای فضاهای متعدد، پیچیدگی روابط بین آن فضاها و سلسله‌مراتب چندلایه است. کالبد مدرسه حاوی کمیتی غنی است که راوی کیفیت حیات عالی و رای خود است.

• مدرسه، شاهد حیات جاری علمی جامعه سنتی

مدارس در شهرهای سنتی اسلامی جایگاه یکی از اصیل‌ترین افعال بشر بودند: تفکر. تفکری که به طمع هدفی دنیایی نیست. حاضران در این مدارس طالب علم هستند و متفاوت‌اند با دانشجو یا دانش‌آموز (که فقط در پی کسب «دانش» است). طلب طلبه به علمی برمی‌گردد که نیازمند بستری در دل آدمی است. حضرت رسول (ص) در مورد کسب علم می‌فرمایند:

جدول ۱. اجزای ساختاری مدرسه و مصادیق کالبدی‌ها آنها. مأخذ: نگارندگان.

عملکرد	اجزای ساختاری	مصادیق کالبدی
عبادت	مسجد	شبستان گنبدخانه
آموزش	مدرس کتابخانه فضای بحث	حیاط اصلی حیاط‌های فرعی ایوان‌های اصلی (در مرکز اضلاع حیاط)
اقامت	حجره	اتاق ایوان جلوی اتاق پستو
خدمات	فضاهای ارتباطی مدیریت و حفاظت سرویس‌های زندگی روزمره (خوراک و بهداشت)	آشپزخانه هشتی ورودی دالان‌ها سرویس‌های بهداشتی و حمام

جدول ۲. معرفی ابعاد کالبدی و غیرکالبدی مدرسه ایرانی. مأخذ: نگارندگان.

ابعاد	مؤلفه	شاخص	منابع	نمونه مورد بررسی
کالبدی	درهم‌تنیدگی مدرسه و شهر	تمهیدات معماری و ایجاد سلسله مراتب دسترسی	عظمتی، نوروزیان و پورباقر، ۱۳۹۳؛ مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲	مدرسه ابوحنانیه فاس
		مدرسه در دل شهر	حیاتی و همکاران، ۱۳۹۸؛ متدین و آهنگری، ۱۳۹۵	مدرسه عبدالعزیزخان - مدرسه الغ بیگ - مدرسه امیرعلیم‌خان - مدرسه میرعرب
	چندعملکردی و فراعملکردی بودن	تجمیع دو فضای کاملاً خصوصی و فضای عمومی	حیاتی و همکاران، ۱۳۹۸؛ هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۲	مدرسه یزدی نجف
	تنوع فضایی و اندام‌های متنوع	تعدد حیاط‌ها و ایوان‌ها		مدرسه یزدی نجف
	تعدد مدارس	شکل‌گیری مجموعه‌های معماری با محوریت مدارس		مدارس واقع در بافت بخارا
فراکالبدی	کیفیت حیات معنوی	اهمیت علم‌آموزی در جامعه سنتی تلفیق مدرسه و مسجد	گودرزی سروش و همکاران، ۱۳۹۱	مدرسه آقا بزرگ کاشان
	مرکز علمی شهر	مدرسه محل حضور علما و شکل‌گیری حلقه‌های بحث		همه موارد

می‌گیرد. یکی از جامع‌ترین این روابط را در بازار شهر فاس در تصویر ۲ می‌توان دید.

- مدرسه، مصادیق شاخصه فراعملکردی بودن معماری اسلامی

مدارس هرچند که دارای یک کاربری منحصربه‌فرد و مؤثر در حیات جامعه خود بودند، فعالیت مستمر و شبانه‌روزی جاری در

در دل شهر. بسیاری از مدارس مهم شهرهای اسلامی در بازارها قرار دارند. هرچند به ظاهر فلسفه وجودی بازار و مدرسه با هم در تضاد هستند، اما از آنجا که در زندگی اصیل سنتی مسلمانان، پرداختن به امور مربوط به رزق حلال، امری اعتقادی محسوب می‌شود و احکام گسترده و مفصلی دارد که باید در مدرسه تدوین و آموخته شوند، بین مدرسه و بازار ارتباطی عمیق شکل

محلات و بناهای پیرامون آنها حیات عمومی و ارتباطات زندگی مدنی شهر را تضمین می‌کنند. مدارس یکی از ارکان این مراکز هستند و این مسئله نشان از اهمیت علوم سنتی و ارتباط تنگاتنگ آن با زندگی روزمره مردم دارد. در این زمینه تعدد و پراکندگی مدارس در شهرهای اسلامی به دو نکته مهم دلالت دارد:

۱. گسترش علم (به خصوص علوم عمومی که امروز با عنوان علوم انسانی شناخته می‌شوند) در جامعه سنتی و اهمیت نفوذ آن در زندگی جاری مردم؛

۲. ارتباط شهر و مدرسه که دلالت بر ارتباط زندگی روزمره مردم و علم جاری در مدرسه (به عنوان عالی‌ترین فضای شکل‌گیری علوم جامعه اسلامی) دارد. درهم‌تنیدگی این ارتباط کالبدی نشان از پیوند عمیق حیات سنتی با فضای علمی شهر دارد. به این معنی که علما و علوم آنها از زندگی روزمره مردم جدا نیست، بلکه برخاسته از حیات جاری در شهر و ارتقادهنده آن است.

- کیفیت حیات معنوی

کالبد معماری نگه‌دارنده روح مکانی است که شکل گرفته در گذر زمان و بر اساس فعل انسان‌هایی است که در دوره حیات بنا در آن زیسته‌اند؛ به بیان دیگر معنای جاری در کالبد، حاصل حضور انسان‌ها در بناست. بناهایی که محلی برای انجام افعال نیک بوده‌اند، روح مکانی غنی دارند. این روح مکان توسط انسان‌های بعدی حاضر در کالبد درک و دریافت می‌شود. از آنجا که تفکر و علم‌آموزی از شریف‌ترین افعال بشر است، بنایی که محل این فعل است، دارای روح مکانی سرشار از حیات و استعداد است.

تلفیق مدرسه و مسجد که نمونه‌های متعددی در معماری اسلامی دارد، گواه معنویت روح مکان مدرسه است. اهمیت و جایگاهی که علم در دین اسلام دارد، باعث شده که محل عبادت و محل آموزش به هم پیوند خورده و این دو عملکرد متفاوت در یک کالبد جمع شوند.

- مرکز علمی شهر

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، مدرسه قلب علمی و محل حضور اندیشمندان و علمای شهر است. همین حضور افراد مهم، جانمایی مدرسه در شهر را تعیین می‌کند. مدرسه هم به لحاظ معنایی و هم به لحاظ جانمایی یکی از ارکان شهر اسلامی است.

نمونه موردی

با توجه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش، در این بخش به معرفی نمونه‌های موردی پرداخته می‌شود. در انتخاب نمونه‌های موردی سعی بر آن بوده تا بیشترین قرابت را با شاخص‌های پژوهش داشته باشند. از آنجا که در کل گستره جهان اسلام کارکرد همه مدارس، اندام‌های تشکیل‌دهنده و ارتباط بنا با شهر تقریباً مشابه است، سعی بر آن بوده تا نمونه‌های متنوعی

آنها مانع از ایفای نقش‌های موقتی و ضروری در مواقع خاصی از سال نبود. علاوه بر این ویژگی خاص اساساً جمع کردن دو کاربری متفاوت و حتی متضاد با هم در یک بنا، نیازمند رعایت سلسله مراتب‌ها و هندسه‌ای پیچیده است. مدرسه از یک طرف به عنوان محل درس و بحث، بنایی عمومی و دارای فضاهایی جمعی است و از طرف دیگر بنایی دارای فضاهای خصوصی برای زندگی شبانه‌روزی طلاب و مطالعه و تعمق است. مدرسه علاوه بر اینکه فضاهایی برای خلوت و تمرکز بر مباحث پیچیده را در اختیار طلبه قرار می‌دهد، در طرح‌مایه کلی خود بر کسب مهارت‌های زندگی اجتماعی تأکید دارد.

تعدد حیاط‌های مدرسه و تفکیک کامل فضای زندگی و تدریس - با ایجاد حیاط اصلی، خدمه و مدرس - از تمهیدات لازم برای ایفای نقش‌های دیگر مدرسه است. البته مدارس ایرانی عموماً فاقد مجموعه فضایی منسجم و حیاطی مستقل برای تشکیل جلسات درس و بحث بوده‌اند و این جلسات در مدارس در ایوان‌های حیاط یا در بهترین صورت، در فضاهایی برگزار می‌شدند که از گسترش ایوان‌ها به پشت آنها حاصل می‌شد (گنبدخانه ورای ایوان) که مدرسه مادرشاه اصفهان و ابراهیم‌خان کرمان از بهترین نمونه‌های چنین الگویی هستند. وجود حیاطی مستقل و فضاهایی پیرامون حیاط به عنوان مجموعه حیاط مدرس، در مدرسه یزدی شهر نجف مشهود است. این تفکیک فضایی علاوه بر دلایل عملکردی (جدا کردن بخش‌های مربوط به استراحت و زندگی طلاب از بخش‌های مربوط به درس و بحث) دلایل اقلیمی نیز دارد. کوچک شدن ابعاد حیاط‌ها و تفکیک آنها بر اساس کاربری‌های متنوع از هم، برای اقلیم گرم نجف مناسب‌تر است.

- اندام‌های متنوع

این اصل در دو وجه نمود پیدا می‌کند:

۱. تنوع فضاهایی که در مدارس وجود دارد که در تصویر ۱ بعضی از آنها معرفی شده‌اند.

۲. تنوع تناسبات و جزئیات موجود در فضاهای با کاربری مشابه (مثل حجره‌ها و ایوان‌های جلوی آنها) و تنوع تزئینات کارشده در این فضاها.

علم‌اندوزی نیازمند ممارست و صرف عمر طولانی است و کالبدی که محل این فعل است، باید قابلیت پاسخگویی به کیفیت حیات لازم برای چنین زیستی را دارا باشد. یکنواختی و ناموزونی کالبدی که انسان‌هایی عمده عمر خود را در آن صرف می‌کنند، با اصول اولیه مورد نیاز فضای مدرسه در تضاد است.

- تعدد مدارس

شهرهای اسلامی دارای مرکز محلات و مجموعه بناهای عمومی هستند که قلب محله و شهر محسوب می‌شوند. اگر خانه‌ها جایگاه شکل‌گیری حیات خصوصی مردم شهر هستند، مرکز



تصویر ۱. مدرسه ابو عنانیة فاس، واقع در بین دو گذر اصلی بافت تاریخی شهر (که با رنگ قرمز مشخص شده‌اند). دو بخشی که با رنگ سبز مشخص شده‌اند، هشتی ورودی هستند. مأخذ: www.google.com/maps.



تصویر ۲. نمود سلسله‌مراتب ورود از بازار به حیاط مدرسه در سقف. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۳. پلان طبقه اول و موقعیت بنا نسبت به بناهای پیرامونی. مأخذ: آرشیو شخصی محمدحسین لبانی مطلق.

از کل این جغرافیای پهناور ارائه گردد تا بر این اساس نمونه‌ها بیشترین قرابت معنایی با مؤلفه‌ها و شاخصه‌های ارائه‌شده را معرفی کنند.

• نمونه اول مدرسه ابو عنانیة فاس، مابین دو بازار مهم شهر

مدرسه ابو عنانیة در سال ۱۳۵۱ میلادی در دوره تسلط مرینیان در شهر فاس مراکش ساخته شده و با تزئینات گچ‌بری و حکاکی روی چوب، یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری کشور مراکش است. حضور این بنا در مرکز بافت تاریخی شهر فاس و مابین دو راسته اصلی بازار شهر که در تصویر ۱ نشان داده شده، معرف نقش کلیدی مدرسه در جریان حیات شهر است. همجواری بازار شلوغ و مدرسه، نیاز به ایجاد سلسله‌مراتب دسترسی از بازار به فضای مدرسه را شکل می‌دهد. بخشی از این سلسله‌مراتب در دستگاه ورودی تصویر ۲ مشخص است.

• نمونه دوم مدرسه یزدی نجف

این بنا در محله الحویش شهر نجف به مساحت ۷۵۰ متر مربع، بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ ق. به همت آیت الله سید محمدکاظم یزدی احداث شده است و شامل ۸۰ حجره در دو طبقه است که در تصویر ۳ و ۴ با موقعیت بنا در شهر و پلان طبقه همکف معرفی شده‌اند. در نجف بزرگ‌ترین فضای باز موجود در شهر، صحن حرم است. به دلیل شرایط اقلیمی و اجتماعی خاص شهر (گرمای شدید هوا در اکثر مواقع سال و اهمیت نزدیک بودن به حرم مطهر) حیاط‌ها کوچک است و مرکز محله‌هایی با فضای وسیع در شهر به عنوان عرصه‌های باز عمومی وجود ندارد. به همین دلیل در مواقع ازدحام جمعیت زوار در شهر، حیاط‌های بعضی دیگر از بناهای عمومی شهر موقتاً به فضای زیارتی و خدمات زوار تبدیل می‌شوند. مهم‌ترین تغییر در شهر نجف در چنین مواقعی در زمان حیات سنتی اصیل شهر در مدرسه یزدی انجام می‌شد. حیاط مدرسه یزدی، به صحن دوم شهرت داشت. به این معنا که در مواقع ازدحام جمعیت در شهر در ایام زیارتی خاص، صحن مدرسه به عنوان فضای خدماتی ایفای نقش می‌کرد و پذیرای زوار بود.

• نمونه سوم مدرسه آقابزرگ کاشان

مدرسه آقابزرگ کاشان، مصداق تام کیفیت حیات معنوی در جوار اوج هنرنمایی معمار در ساختار معماری است. این بنا مسجد-مدرسه‌ای منسوب به ملا احمد نراقی ملقب به آقابزرگ است که به هزینه حاج محمدتقی خانان و پسرش در نیمه قرن سیزدهم قمری، مقارن با دوران پادشاهی محمد شاه قاجار ساخته شد. در این بنا مسجد و مدرسه در لایه‌بندی عمودی بی‌نظیری با هم تلفیق شده‌اند؛ به صورتی که در عین حفظ حریم یکدیگر، معماری ایجادشده راوی درهم‌تنیدگی کاربردی فضای عبادی و فضای آموزشی و تربیتی است. در نقطه انتهایی مجموعه، گنبدخانه مسجد قرار دارد که با به حداقل

این بناهای مهم در شهر امروز می‌توانند داشته باشند، پرداخته می‌شود. برای تحقق این امر ابتدا لازم است به نقد زندگی مدرن پرداخته شود، تا بتوان جایگاه مدارس را در شهرهای امروز تبیین کرد.

• نقد زندگی مدرن

«علم مدرن با نگاهی یکسویه به پدیده‌ها، با آغاز کردن دنیایی که خود ساخته بود، تعادل حاکم بر پدیده‌ها را به نفع قوانین از پیش معین شده‌ای که بر هستی تحمیل کرده بود، برهم زد و تفکر ابزارمدارانه را بر امور و پدیده‌ها حاکم کرد» (نورنبرگ-شولتز، ۱۳۸۲، ۱۶) و به همین دلیل نیز «بشر آسیب‌پذیری و توانایی خود را برای شگفت‌زده شدن فراموش کرده است و به طور کلی چنین فرض کرده که تمامی پدیده‌های دنیای او از آب و آتش، تا ادراک و رفتار انسانی قابل توجیه است (Perez-gomez, 1988, 6)

«هم‌اکنون حوادث با سرعتی شتابنده جریان می‌یابند که نظیر آن در اعصار پیشین دیده نمی‌شود. در اینجا گذشت زمان تحت نوعی فشردگی یا انقباض قرار می‌گیرد» (گنون، ۱۳۶۵، ۴۸). این روند شتاب‌زدگی در گذر زمان، طمأنینه را از انسان سلب کرده و نیاز او به پناه بردن به آثار روزگاری که انسان آرام‌تر زندگی می‌کرده است را بیشتر. در قالب آرامش تفکر عمیق محقق می‌گردد. انسان امروز گرفتار در عوارض زندگی مدرن است و درک و تعامل با نشانه‌های حیات سنتی، در فرار از این تنگ‌راه‌گشاست.

• مدرسه مقصد است، نه موزه و نه محل گذر

- حضور به جای عبور در مدرسه: در مواجهه با بنای تاریخی طیف وسیعی از نحوه حضور، از سکونت در فضا تا بازدیدی شتاب‌زده و موزه‌ای می‌توان تعریف کرد و بین این دو طیف، حضور برای درک بنا و کیفیت زندگی شکل‌دهنده آن، قابل تبیین است.

- آن حیات (زندگی در لحظه): در زندگی سنتی بسیاری از امور (چه مادی و چه معنوی) به صرف انجام و در جریان بودن، هدف زندگی بودند. به عنوان مثال صنعتگر فعل خویش را مقدس می‌شمرد و انجام آن فعل را هدف زندگی می‌انگاشت. روند حیات او در انجام فعل حرفه‌اش معنی می‌یافت و انجام حرفه وسیله‌ای برای دستیابی به مقصدی



تصویر ۴. پلان طبقه اول و موقعیت بنا نسبت به بناهای پیرامونی. مأخذ: آرشیو شخصی محمدحسین لبانی مطلق.

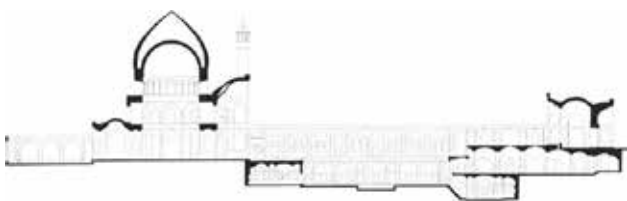
رساندن پایه‌های گنبد و ایجاد جداره‌های باز، نقطه اوج شفافیت و سبکی گنبدخانه‌های معماری ایرانی است. این پیشرفت سازه‌ای در ضلع مقابل دارای صفه‌ای وسیع و بدون سقف است که با دقت مقطع ارائه شده در تصویر ۵ قابل مشاهده است.

• نمونه چهارم مدارس واقع در بخارا، ازبکستان

قرارگیری چهار مدرسه نزدیک به هم، با دوره‌های ساخت متنوع در جوار یکی از مهم‌ترین مرکز محله‌های شهر بخارا، از ویژگی‌های این شهر محسوب می‌شود. مدرسه عبدالعزیزخان در اواسط قرن هفدهم میلادی و روبروی مدرسه الغیبگ ساخته شد. مدرسه میرعرب بین سال‌های ۱۵۳۶-۱۵۳۰ میلادی در دوره حکومت خانات بخاری به دست شیخ عبدالله النقشبندی الیمینی معروف به امیر عرب بنا شد. مدرسه میرعرب بزرگترین مدرسه بخارا بود که قرن‌های متمادی به عنوان مناره تدریس علوم اسلامی در آسیای میانه به شمار می‌آمد. ده‌ها عالم، قاضی و مفتی از آسیای میانه، ترکستان و قفقاز در این مدرسه مشغول به تحصیل علم بوده‌اند. مجموعه‌های متعدد (متشکل از بناهای عمومی) بافت تاریخی شهر بخارا را شکل داده‌اند. اکثر این مجموعه‌ها دارای یک، دو و حتی گاهی سه مدرسه هستند. چنین تکرار و پراکندگی‌ای نشان‌دهنده وجود حضور فضای علمی در متن زندگی مردم است. به این معنی که علم علما از زندگی مردم جدا نیست و آنچه علما تحصیل می‌کنند در حیات جاری شهر اثر دارد. نمونه‌ای از این تعدد مدارس در تصاویرهای ۶ تا ۸ ارائه شده است.

بحث و یافته‌ها

پس از شناخت مبانی شکل‌دهنده ساختار مدارس و تحلیل و بررسی نمونه‌های موردی در این بخش به بررسی جایگاهی که



تصویر ۵. مقطع طولی مدرسه آقابزرگ کاشان. مأخذ: www.memarnet.com.

اخلاقی و دارای مناسک مفصل (که در فتوت‌نامه‌ها بخشی از آنها نمود یافته‌آ) است.

به طریق اولی طالب علم نیز به طمع دستیابی به خواسته‌های دنیوی در مدرسه حضور نمی‌یافت، بلکه خود طلبه بودن مقصد بود و گاه تا پایان عمر نیز ادامه می‌یافت. بر همین اساس نیز مدرسه در معنای سنتی خود با مدارس امروزی و دانشگاه (و اکثر فضاهای آموزشی امروز) بسیار متفاوت است. البته این جریان منافی حصول اهداف فرعی دیگر در روند زندگی شخص نبود؛ اما نکته حائز اهمیت «حیات در لحظه انسان سنتی» بود. او در لحظه‌ای که با انجام وظیفه خود، به برقراری تعامل خویش با خلقت مشغول بود، به هدف خویش در زندگی نائل آمده بود و برای همین قانع بود.

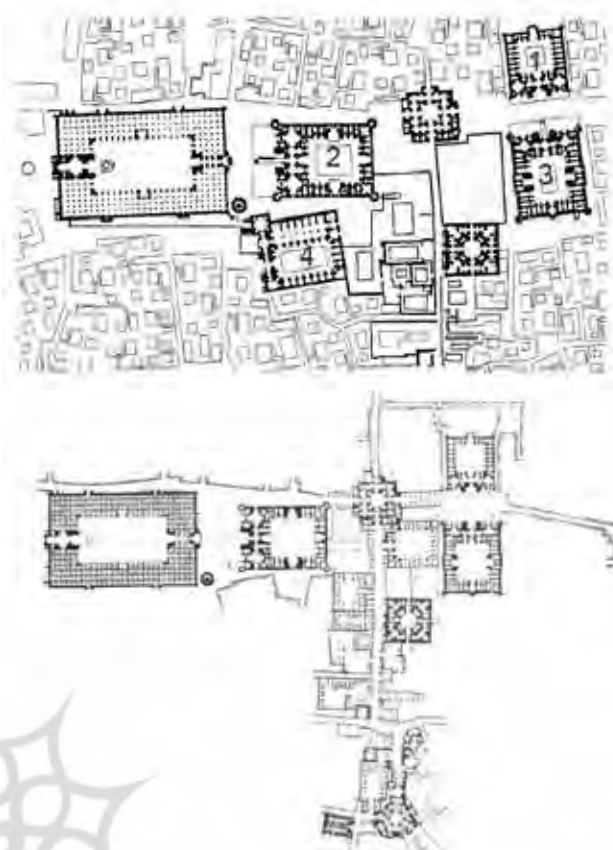
بر اساس آنچه ذکر شد، فضای مدارس تاریخی همان قابلیت را دارد، که انسان امروز به آن نیاز دارد. بنایی سرشار از معنی و آرامش‌دهنده که راوی و تذکردهنده سنت‌های اصیل زیست و تفکر انسان در نظام خلقت است. همه آن شاخصه‌هایی که در بخش‌های پیشین ذکر شد، هنوز هم وجود دارند و یا قابل احیا هستند و می‌توانند در حیات شهر نقش بازی کنند.

نتیجه‌گیری

مدارس تاریخی همانند دیگر بناهای تاریخی دارای حیاتی هستند که در طول زمان شکل گرفته و برای بنا شخصیتی منحصر به فرد ایجاد می‌کند. بازشناسی شاخصه‌های معرف این شخصیت، انسان را از توانایی‌های امروز اثر آگاه می‌کند. بر اساس فهم این شاخصه‌ها می‌توان تعاملی بین انسان و اثر شکل داد. بر همین اساس نیز حضور بازدیدکننده در بنای مدرسه را باید به‌مثابه نشستن انسان در محضر راوی دانست؛ راوی زنده و دارای توانایی نقل روایت‌هایی از روزگار حیات باکیفیت. روایتی که در آن، کالبد مدرسه، دنیای علمی شکل گرفته در خود را نقل می‌کند و نظرگاهی است که چشم گردشگر را به حیات سنتی اصیل باز می‌کند. بر این اساس، بازدید گردشگر فقط در تماشای کالبد بنا خلاصه نمی‌شود و حضور در بنا و تحقق تجربه زیسته (ولو برای زمانی کوتاه)، فتح بابی است برای آشنایی با یکی از مهم‌ترین وجوه حیات اصیل شهرهای اسلامی. به همین دلیل تحلیل کالبدی مدارس اسلامی و شناخت حیات عمیق جاری در این کالبد، به ارائه راه‌کاری برای مقابله با آسیب‌های زندگی شتابزده مدرن ختم می‌شود، که مبنای آن توجه به نقش روایی اثر تاریخی است. نهایتاً با بررسی شاخص‌های پژوهش و نمونه‌های مصداقی پاسخ پرسش‌های پژوهش با کمک یافته‌ها به دست آمد:

• پاسخ پرسش نخست

به این سؤال در تصویر ۱ و جدول ۱ پاسخ داده شده است.



تصویر ۶ و ۷. شکل‌گیری مدارس متعدد در نزدیکی محل تقاطع دو گذر مهم شهر بخارا ۱. مدرسه الغ بیگ (۱۳۹۳-۱۴۴۹ میلادی) ساخت مدرسه ۸۲۰ ق. ۲. مدرسه میرعرب، ساخت مدرسه ۹۴۱ ق. ۳. مدرسه عبدالعزیزخان (۱۶۱۴-۱۶۸۳ میلادی) ساخت مدرسه ۱۰۶۲ ق. ۴. مدرسه امیرعالم‌خان (۱۹۴۴-۱۸۸۰ میلادی). مأخذ: www.iranmag.com.



تصویر ۸. سردر مسجد کلان، سردر مدرسه میرعرب و منار کلان. مأخذ: www.iranmag.com.

فراتر (مثل پول) نبود. در چنین دیدگاهی ارتقای رتبه شغلی (مشابه آنچه امروز مرسوم است) و بازنشستگی معنی ندارد؛ چرا که زندگی صنعتگر در انجام حرفه‌اش رنگ و معنی پیدا می‌کند و بدون انجام آن حرفه، حیات او عاری از معنی می‌شود. در این سبک حیات فعل معطوف به حرفه، فعلی

سرسری بازدیدکنندگان، در دیگر اوقات بدون استفاده باقی مانده‌اند) می‌توان چند لایه کاربری در نظر گرفت: دائم؛ فضایی که برای قرون طولانی محل علم‌آموزی بوده، امروز باقابلیت‌ترین و مستعدترین کالبد برای فضاهای آموزشی است. موقت؛ با توجه به مثال‌های متعدد از کاربری‌های موازی در مدارس (مدرسه یزدی نجف به عنوان صحن دوم حرم، مدرسه آقابرگ کاشان، ترکیب مدرسه و مسجد)، علاوه بر کاربری‌های آموزشی، می‌توان کاربری‌های دیگری برای مدرسه در نظر گرفت که نه تنها با کاربری‌های دائم در تضاد نباشد، بلکه مؤید آن باشد و در بازحیات‌بخشی به بنا کمک کند. در چرایی اهمیت تعدد کاربری باید اشاره کرد که بنایی با قابلیت‌های هندسی بالا که عمر طولانی داشته و شاهد حضور انسان‌های فرهیخته بوده، دارای روح مکانی متفاوتی با بنایی با همان کیفیات هندسی، اما نوساز است.^۳ به همین دلیل نیز صرف حضور موقت در مدرسه و تعامل کوتاه‌مدت با آن نیز برای انسان دارای مزایایی است. این حضور آگاهانه کوتاه‌مدت، انسان حاضر را به سفری در عمق زمان می‌برد. چنانچه نحوه حضور و سکوت مورد نیاز آن محقق شود، کالبد مدرسه تاریخی به عنوان سندی کالبدمند، راوی کم‌وکیف حیات علمی جاری در خود خواهد بود. ایفای این نقش روایتگری، منوط به تمرکز و توجه انسان است.

درهم‌تنیدگی مدرسه و شهر، چندعملکردی و فراعملکردی بودن، تنوع فضایی و وجود اندام‌های متنوع، تعدد مدارس در شهر، کیفیت حیات معنوی و نقش‌آفرینی به عنوان مرکز علمی شهر از مؤلفه‌های کالبدی و فراکالبدی در عرصه بازشناسی جایگاه مدرسه در نظام معماری و شهرسازی اسلامی هستند.

• پاسخ پرسش دوم

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های شهرهای اسلامی اصیل، پویایی علمی آنها به دلیل اهمیت علم و علم‌آموزی در اسلام است. مدرسه مهم‌ترین کالبد برای این وجه شخصیت شهر اسلامی است. این شاخصه‌ها هیچ‌گاه در شهر اسلامی از بین نمی‌رود و به دلیل اینکه امری اصیل است، همیشه قابلیت احیا و ایفای نقش مؤثر در حیات شهر را دارند.

مدارس از بناهای تاریخی معماری هستند که عملکرد اصیل آنها هنوز در جامعه وجود دارد، علاوه بر این راوی کیفیتی از حیات شهر اسلامی هستند که برای مخاطب امروز قابل بازخوانی و بازشناسی است. حضور همراه با تأمل و تعمق گردشگر در مدرسه، امکان آشنایی او با سنت‌های شکل‌دهنده و روابط و رای کالبد مدرسه را فراهم می‌کند.

پیشنهادها

برای احیای مدارس (که عموماً متروک‌اند و غیر از مواقع حضور

پی‌نوشت‌ها

کنی چه خوانی، بگوی قَتَبَرَكَ اللهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (خان‌محمدی، ۱۳۷۱، ۱۵).

۳. «بسیار اتفاق می‌افتد که در معماری، زیبایی تصادفی تصادفی فوق‌العاده - زیبایی حاصل از گذر عمر بر اثر - اغلب در تضاد با حفاظت از اصالت شخصیت و کالبد بنا باشد؛ زیبایی‌ای که در خرابه‌ها و در حال زوال پنداشته می‌شود. در این حال این زیبایی ارزش و اهمیت ویژه‌ای دارد و پارگی‌ها، شکستگی‌ها، لکه‌ها، پوشش‌های گیاهی -سبز شده بر اجزای بنا- که با کار طبیعت جذب معماری شده‌اند را شامل می‌شود و به سبب این ترکیبات از رنگ و فرم، این معماری به چشم انسان عاشقانه به نظر می‌رسد. ارائه شخصیت ذاتی معماری، بیشتر از آنکه در گرو رفعت غیر اصیل و فقط زیبا باشد، وابسته به کاربری اصیل بناست، که تعریف‌شده بر اساس کوهلوت -اثر معماری- یعنی شکوه‌مندترین وجه معماری است. بنابراین نشانه‌های ظاهری این شکوه، دارای قدرت و هدفی وسیع‌تر از هرگونه تعلق خاطر به زیبایی معقول صرف هستند. عمر اثر باید دارای جایگاهی مهم در وجوه شخصیتی ضروری معماری باشد؛ به نظر من آن قدر ضروری که یک بنای معماری را تا ۴ یا ۵ قرن از عمر آن نگذرد، نمی‌توان در نظر آورد و مورد توجه قرار داد؛ و همه انتخاب‌ها و تنظیمات مربوط به جزئیات اثر و شناخت آن بعد از گذر زمان ذکر شده بر ظاهر اثر قابل ارجاع هستند. بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند اذعان کند که بنا به دلیل آسیب مواد سازنده خود بر اثر هوازدگی یا تخریب مکانیکی که از ضروریات گذر زمان بر اثر است، رنج می‌برد.» (Ruskin, 1908, 112).

۱. شهر بازتاب بدن انسان: «در بسیاری از منابع سنتی اسلام، هندوئیسم، چینی، مسیحی و بسیاری از ادیان دیگر بدن انسان با شهر یا پادشاهی در قالب شهر، با تمام کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن مقایسه می‌شود. ابن عربی در این زمینه کتاب معروفی دارد با عنوان «تدبیر الهیه فی اصلاح الممالک الانسانیه (حکومت الهی در پادشاهی بشر)». بدنی که در منابعی از این دست مورد نظر است، مشابه بدن آناتومیکی که در مدارس پزشکی مدرن مطالعه می‌شود، نیست. بلکه بدنی است که به صورت سنتی درک می‌شود؛ به این معنی که جایگاه تلاقی مسائل فیزیکی، روحی، احساسی، معنوی و هوش است. شهر فقط با بدن مقایسه نمی‌شود، بلکه شهر بدنی گسترش‌یافته در قالبی کلان‌کیهانی است که دارای جایگاهی برای همه عناصر ذکر شده مربوط به بدن است. قلب با مرکز شهر مطابقت دارد و بخش‌های مختلف بدن با کاربردهای مختلف شهر.» (Seragel-din, Shluger & Martin-Brown, 2000, 4).

۲. در فتوت‌نامه بتایان آمده است «اگر پرسند که چون بر سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی، بگو که این کلام خداوند را که فرماید لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. و اگر پرسند چون قالب په دست گیری چه خوانی، بگو قوله تعالی لَا يَضَلُّهَا إِلَّا الْأَشْقَى. الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى، أَنْ جَاءَ الْأَعْمَى. و چون پرسند که اگر طرح گنبد اندازی و طاق‌ها راست کنی چه گویی، بگو يَقُولُونَ أَتْنَمُّ لَنَا نُورَنَا وَأَغْفِرُ لَنَا إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. و اگر پرسند چون خشت بر یکدیگر نهی کدام آیه خوانی، بگو إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا. و اگر پرسند چون خشت دو نیمه

فهرست منابع

- ازه، مارک. (۱۳۸۷). *نامکان‌ها، درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته* (ترجمه: منوچهر فره‌مند). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حیاتی، حامد؛ رحمت‌نیا، علیرضا و کاوری‌زاده، حسین. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی معماری مدارس سنتی با تأکید بر تأثیر سیاست‌های آموزشی، مطالعه موردی: دوره صفویه. *باغ نظر*، ۶۱-۸۲.
- خان‌محمدی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). فتوت‌نامه معماران و بنایان. *صفه*، ۲(۵)، ۱۵-۱۰.
- دانشپور، عبدالهادی و شیرینی، الهام. (۱۳۹۴). عناصر کالبدی کارکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی اسلامی. *نقش جهان*، ۱(۵)، ۱۷-۲۵.
- زیاری، ک. (۱۳۸۲). تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی). *جغرافیا و توسعه*، ۲(۱)، ۹۵-۱۰۸.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۴). *تاریخ مدارس ایران (از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون)*. تهران: آگاه.
- عظمتی، حمیدرضا؛ نوروزیان ملکی، سعید و پورباقر، سمیه. (۱۳۹۳). الگوی اسلامی آموزش و مفهوم رضایت‌مندی در طراحی معماری مدارس ایرانی. *پنجمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*. تهران: مجمع عالی علوم انسانی اسلامی.
- غروی خوانساری، مریم. (۱۳۸۴). مدرسه محله: کانون فرهنگی-اجتماعی سازمان‌دهنده محله. *هنرهای زیبا*، ۲(۱)، ۶۷-۷۶.
- گودرزی سروش، محمدمهدی؛ امین‌زاده، بهناز و نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). تجلی اندیشه اسلامی در شهر با حضور مدرسه در محله. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۷(۷)، ۹۹-۱۰۹.
- گنون، رنه. (۱۳۶۵). *سیطره کمیت و علائم آخر زمان* (ترجمه علی محمد کاردان). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- متدین، حشمت‌الله و آهنگری، محبوبه. (۱۳۹۵). بازاندیشی در کیفیت ارتباط مدرسه و شهر بر پایه تحلیل اجتماع‌پذیری مدارس دوره تیموری تا ابتدای قرن چهاردهم. *هنرهای زیبا*، ۲۱(۴)، ۷۶-۸۶.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۳). *حکمت معماری اسلامی*. هنرهای زیبا، ۱(۱۹)، ۵۷-۶۶.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ قاسم‌پورآبادی، محمدحسین و محمدلوی شبستری، آیسا. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی مسجد-مدرسه‌های دوره قاجار. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۱۱)، ۵-۱۵.
- وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۱۵ ق). *الفوائد الحائریة*. قم: مجمع الفکر اسلامی.
- نورنبرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۸۲). *معنا و مکان* (ترجمه ویدا نوروز برازجانی). تهران: جان جهان.
- هوشمند، علی و حبیبی، کیومرث. (۱۳۹۰). عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۳)، ۷۱-۷۶.
- هوشیاری، محمدمهدی؛ پورنادری، حسین و فرشته‌نژاد، سیدمرتضی. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی مسجد-مدرسه در معماری اسلامی ایران، بررسی چگونگی ارتباط میان فضای آموزشی و نیایشی. *مطالعات معماری ایران*، ۳(۳)، ۳۷-۵۴.
- Perez-Gómez, A. (1988). *Architecture and the crisis of modern science*. Cambridge: The MIT press.
- Ruskin, J. (1908). *Selections from the works of John Ruskin*. Cambridge-Massachusetts: The Riverside Press.
- Serageldin, I., Shluger, E. & Martin-Brown, J. (2000). *Historic cities and Sacred Sites (Cultural Roots for Urban Futures)*, Washington, The World Bank
- Woods, I. (1996). *War and architecture*. (5nd ed.). Princeton architectural press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مؤذن، سجاد. (۱۴۰۰). *مدرسه، نظرگاه حیات علمی شهرهای اسلامی*. گردشگری فرهنگ، ۲(۶)، ۵۷-۶۶.

DOI: 10.22034/toc.2021.309179.1054

URL: toc-sj.com/article_139706.html

